



دیپلماسی انفعال خیال غرب را راحت کرد / نفت زیر 30 دلار!

روز گذشته در خبرها آمده بود قیمت هر بشکه نفت سنگین ایران، به کمتر از 30 دلار سقوط کرد و نفت سبک نیز بشکه‌ای حدودا 35 دلار معامله شد!

گزارش خبری تحلیلی کیهان

دیپلماسی انفعال خیال غرب را راحت کرد / نفت زیر 30 دلار!

روز گذشته در خبرها آمده بود قیمت هر بشکه نفت سنگین ایران، به کمتر از 30 دلار سقوط کرد و نفت سبک نیز بشکه‌ای حدودا 35 دلار معامله شد! روابط عمومی وزارت نفت اعلام کرد قیمت نفت خام سنگین ایران در هفته منتهی به جمعه ۲۷ آذرماه ۱۸ (دسامبر) با سه دلار و ۶۶ سنت کاهش به ۲۹ دلار و ۴ سنت برای هر بشکه رسید. همچنین قیمت نفت خام سبک ایران نیز سه دلار و ۴۵ سنت برای هر بشکه کاهش یافت و به ۳۵ دلار و ۱۹ سنت رسید. میانگین قیمت نفت سبک ایران، از ابتدای امسال تاکنون ۵۰ دلار و ۶۹ سنت و میانگین قیمت نفت خام سنگین ایران ۴۸ دلار و ۶۴ سنت بوده است. براساس آمار رسمی، قیمت سبد نفتی اوپک نیز در هفته مورد بررسی، به ۳۲ دلار و ۱۰ سنت برای هر بشکه رسید که نسبت به هفته گذشته، سه دلار و ۷۳ سنت کاهش یافت؛ میانگین قیمت سبد نفتی اوپک، امسال تاکنون ۵۰ دلار و ۷ سنت بوده است. چندی قبل برخی خبرگزاری‌ها با استناد به نتایج تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی از احتمال سقوط قیمت نفت تا مرز 18 دلار در پایان بهار 2016 سخن گفته بودند! پیش‌بینی مذکور و حتی وضعیت کنونی بازار نفت، بسیار شکننده و غیرقابل استمرار است و باید برای برون‌رفت از این وضع و یا جایگزینی منابعی دیگر به جای منابع درآمدی نفت فکری کرد و از این تهدید بزرگ به عنوان فرصتی تاریخی برای قطع وابستگی به نفت استفاده کرد. اما کشف راهکار برای برون‌رفت از وضع موجود، نیازمند علت‌یابی ماجرا و شناسایی همه‌جانبه و دقیق آن، فارغ از حب و بغض‌های سیاسی و رفتارهای نمایشی و هیجانی است. سقوط آزاد قیمت نفت، چرا؟!

رئیس‌جمهور کشورمان و معاون اول او، سقوط قیمت نفت را ناشی از توطئه می‌دانند. آنها عربستان را مقصر اصلی این وضع دانسته و معتقدند عربستان با هدف ضربه زدن به ایران، این بساط را به راه انداخته است. در مقابل معاون امور بین‌الملل وزیر نفت- که شاید مهم‌ترین مقام در امر فروش نفت باشد- این تفکر را توهم دانسته و معتقد است گران شدن نفت به نفع کشورهای تولیدکننده نیست و نفت ارزان برای ما بهتر است! اما هرچه باشد، این همه ماجرا نیست و باید گفت اولاً توطئه توهم نیست و واقعیت دارد اما اینکه عربستان را توطئه‌گر بدانیم، ساده‌اندیشانه است. اگر دولت یازدهم به هر علتی تمایل ندارد از گل نازک‌تر به آمریکا بگوید، چیزی از واقعیت را تغییر نمی‌دهد و همگان می‌دانند که عربستان، به لحاظ سیاسی و اقتصادی، در قبضه آمریکاست و حرفی از خود برای گفتن ندارد و از قضا در این فقره، خود متضرر بزرگ است. اما این توطئه یک شبه محقق نشده و سال‌ها برای آن کار شده است تا امروز عربستان تولید خود را به مرز 12 میلیون بشکه در روز برساند! در کنار این وضع تقریباً همه کشورهای عضو اوپک، بالای سهمیه مصوب نفت می‌فروشند و در همین شرایط، آمریکا پس از سالها، نفت ذخیره‌شده خود را به بازار عرضه کرده است! طبیعی است با عرضه بیش از تقاضا و نیز با ترفندهای موزیانه غرب و به ویژه آمریکا، قیمت نفت بازهم کاهش یافته و چشم‌اندازی برای ترقی قیمت‌ها دیده نمی‌شود.

تضمین آرامش بازار انرژی

اما یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن اینکه بیش از یک سوم نفت جهان از خلیج فارس تولید و صادر می‌شود. هم اکنون اوضاع سیاسی و امنیتی در خلیج فارس و برخی کشورهای نفت‌خیز همچون عراق، چندان آرام و باثبات نیست و به طور کلی امنیت در این منطقه حیاتی، چندان مطلوب نیست. در چنین شرایطی، نگرانی از اینکه آیا در آینده هم انرژی مورد نیاز از این منطقه تامین خواهد شد یا نه، طبیعتاً باید به افزایش قیمت نفت و رقابت برای خرید بیشتر منتهی شود. اما می‌بینیم که چنین نشده است! بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند مهم‌ترین نگرانی در این زمینه، نگرانی از تامین نفت ایران است وگرنه سایر کشورهای منطقه که بردگان بی‌چون و چرای آمریکا هستند و به دست آنها، بیداری اسلامی هم سرکوب شده است. اما ایران هم با امضای توافق هسته‌ای و تن دادن به هر آنچه غرب خواست و نیز با در پیش گرفتن سیاست‌های انفعالی در عرصه

بین‌الملل، عملاً نگرانی غرب در تامین انرژی ارزان را برطرف کرد و این تلقی را پدید آورد که تحت هیچ شرایطی، در بازار انرژی تلاطمی ایجاد نخواهد کرد! آیا همین روش برای ارزان‌تر شدن نفت کافی نیست؟! تضمین بالاتر با وعده تولید بیشتر!

اما ظاهراً وزیر نفت کشورمان این تضمین را به جامعه جهانی- بخوانید به مصرف‌کنندگان اصلی نفت و به ویژه آمریکا- کافی ندانسته و برای اینکه خیال آنها را راحت کند، هر از گاهی از تلاش ایران برای افزایش تولید تا چند میلیون بشکه در روز سخن می‌گوید! فکرش را بکنید، نفت روز به روز ارزان‌تر می‌شود و ما حتی یک کلام هم نمی‌گوییم تولیدمان را کاهش می‌دهیم! این که دیگر سهمیه اوپک نیست که بگوییم با کارشکنی و توطئه عربستان، کاهش پیدا نکرد! این بستگی به اراده و تصمیم مسئولان کشورمان دارد که البته حاضر به اتخاذ این تصمیم تاریخی و مواجه کردن جامعه با حقیقت وضعیت بازار جانی نیستند. البته آنها ممکن است مدعی شوند نمی‌توانند نفت نفروشد یا تولید را کم کنند، چون به پول آن برای امور روزمره کشور نیاز دارند. این از قضا همان پاشنه آشیلی است که دولت به دشمن نشان داده است و حالا دارد تاوانش را می‌دهد، البته از جیب مردم!

ذوق‌زدگی دشمن

همین وضعیت بود که باعث شدن روزنامه صهیونیستی تایمز اسرائیل با استقبال از توافق ایران و غرب بنویسد: «توافق هسته‌ای ایران و 5+1 باعث کاهش شدید قیمت نفت شده و نفوذ غرب در منطقه را بیشتر کرده است... کارشناسان معتقدند با برداشته شدن تحریم‌های ایران، قیمت نفت تا اندازه بسیار زیادی کاهش خواهد یافت... برخی کارشناسان در سه سال اخیر بر این باور بودند که جنگ قریب‌الوقوعی در منطقه غرب آسیا رخ خواهد داد و در نتیجه بهای نفت سر به فلک کشیده و موجب بحرانی شدن اقتصاد جهانی خواهد شد. پیش از این وقایع، هر بشکه نفت 120 دلار فروخته می‌شد و تحلیلگران حتی احتمال داده بودند بهای هر بشکه نفت به 200 دلار برسد... اما اکنون مدتی است جامعه جهانی شاهد نقش کم‌رنگ کشورهای تولیدکننده نفت در تعیین قیمت طلای سیاه هستند و این کاهش نفوذ دست کشورهای غربی را برای ایفای نقش بیشتر در منطقه باز می‌گذارد... کشورهایی مانند ایران با اقتصاد گره‌خورده به صادرات نفت خام، دوران سختی را در پیش رو خواهند داشت.» آیا می‌توان آنچه این روزنامه ترسیم کرده را انکار کرد و مدعی شد همه حرف‌های آنها باطل و بی‌مبناست؟! و آیا بازهم عده‌ای پیدا می‌شوند که خارجی بودن و صهیونیستی بودن این روزنامه را چماق کنند و بر سر اصل موضوع - که غیرقابل انکار است- بکوبند؟! واقعیت غیرقابل انکار این است که این نوع دیپلماسی منفعلانه و بی‌خاصیت، بالش نرمی زیر سر آمریکا و دیگر مصرف‌کنندگان انرژی گذاشته و باعث شده خواب آنها که سال‌ها آشفته بود، آرام و راحت شود.

فراموشی یک نصیحت حکیمانه

آخرین روزهای سال 92 رهبر انقلاب در جمع کارگزاران دولت یازدهم فرمودند: «یک عامل برای تأثیرگذاری بر روی اقتصادها همین تکانه‌های گوناگون اقتصادی دنیا است که سرریز می‌شود به کشورها؛ یک عامل بلاهای طبیعی است که پیش می‌آید، و یک عامل هم تکانه‌های تخصصی است؛ مثل تحریم‌ها و امثال تحریم‌ها. فرض بفرمایید که در مراکز تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری بشود روی قیمت نفت، یک‌وقت قیمت نفت را مین‌باب مثال بیاورند به شش دلار، کما اینکه برای ما اتفاق افتاد؛ خیلی از اینها عادی نیست؛ اینها کارهای پیش‌بینی‌شده و مؤثر و به دنبال تصمیم‌گیری‌های مشخصی است که از مراکز دنبال می‌شود» یک سال بعد بازهم در 29 بهمن ماه سال 93 رهبر فرزانه انقلاب، با پیش‌بینی وضع کنونی بازار نفت، به دولتمردان هشدار داد که برای این روز فکری نکنند و همه چیز را به نفت و به تحریم گره نزنند. ایشان در آن دیدار به اعضای دولت فرمودند: «اقتصاد مقاومتی یعنی ما بنای اقتصادی کشور را جوری تنظیم کنیم و ترتیب بدهیم که تکانه‌های جهانی در آن اثر نگذارد. یک روز عزا بگیریم که نفت از 100 دلار رسید به 45 دلار؛ یک روز عزا بگیریم که آمریکایی‌ها ما را تهدید می‌کنند که فلان‌چیز و فلان‌چیز و فلان‌چیز را تحریم می‌کنیم یا عملاً تحریم بکنند؛ عزا بگیریم که اروپایی‌ها کشتیرانی ما را تحریم کردند. اگر در کشور اقتصاد مقاومتی باشد، هیچ‌کدام از این تکانه‌های بین‌المللی نمی‌تواند به زندگی مردم آسیب وارد کند. اقتصاد مقاومتی یعنی این؛ یعنی در داخل کشور، ساخت اقتصادی و بنای اقتصادی جوری باشد که از نیروهای مردم استفاده بشود، کمک واقعی گرفته بشود، برنامه‌ریزی بشود، بنای اقتصادی استحکام پیدا کند، تکیه مسئولان کشور بر این باشد که حرکت اقتصادی کشور را این‌جوری قرار بدهند. اگر این شد، شکوفایی خواهد شد؛ اگر این شد، از تهدید دشمن دیگر نمی‌ترسیم، از تحریم دیگر تنمان نمی‌لرزد، از پایین افتادن قیمت نفت عزا نمی‌گیریم؛ این اقتصاد مقاومتی است. تکیه عمده اقتصاد مقاومتی هم باز روی مردم است؛ روی تولید داخلی است.» حدود یک سال از آن روز گذشته است و به یقین می‌توان گفت که حتی یک قدم در این راه برداشته نشد! دولت نه ذره‌ای در بدنه اجرایی و اداری خود، صرفه‌جویی پیشه کرد و نه هیچ راهبر و راهکار بلندمدت و کوتاه‌مدتی برای بهبود وضع اقتصاد اندیشیده شد! برخی مسئولان دولتی هم به جای تدبیر، فقط و فقط به آزادسازی قیمت‌ها و بار گذاشتن به گردن مردم بی‌نوا فکر کردند و حاضر نشدند به این بیندیشند که ممکن است راه دیگری هم باشد! و اگر آنها بلد نیستند، شاید کسانی باشند که بلدند برای مردم قدمی بردارند! افسوس که صدارت و وزارت و ... شیرین است!

شاهد از غیب رسید!

به این عبارت توجه کنید: «به نظر می‌رسد فرمول «اقتصاد مقاومتی» - که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب پیشنهاد کرده است- برای تشویق بخش غیرنفتی، راه بسیار بهتری برای ایجاد فرصت‌های شغلی است که به شدت در کشور مورد نیاز است.» این نه سخنرانی یک ایرانی، نه مقاله روزنامه کیهان و نه چیزی شبیه اینهاست! این بخشی از گزارش موسسه مطالعات استراتژیک و بین‌المللی واشینگتن است. موسسه مذکور می‌نویسد: «روحانی در مبارزات انتخاباتی خود گفت مشکل اصلی

اقتصاد تحریم‌هاست، و توافقنامه هسته‌ای، بهترین راه برای خلاصی از تحریم‌هاست. این فرمول در حال حاضر چندان مناسب به نظر نمی‌رسد، چرا که نه تنها روند دستیابی به مزایای لغو تحریم‌ها کند خواهد بود، کاهش بهای نفت نیز حاکی از وابستگی بیش از حد ایران به درآمدهای نفتی بوده است. به نظر می‌رسد فرمول «اقتصاد مقاومتی» - که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب پیشنهاد کرده است- برای تشویق بخش غیرنفتی، راه بسیار بهتری برای ایجاد فرصت‌های شغلی است که به شدت در کشور مورد نیاز است. در عین حال، دیگر شعار انتخاباتی روحانی - احیای مدیریت کارآمد به جای فساد مالی و بی‌کفایتی دولت احمدی‌نژاد- بیش از پیش جذابیت خود را از دست داده است.» می‌بینید که موسسه مذکور از آن سر دنیا پس از بررسی اوضاع بازار انرژی و قیمت نفت و نیز ارزیابی سیاست خارجی ناکارآمد دولت یازدهم، تنها راه برون‌رفت از وضع موجود را «اقتصاد مقاومتی» می‌داند! چقدر این واژه آشناست! این همان واژه‌ای نیست که رهبر انقلاب مدت‌هاست برای تحقق آن فریاد می‌زنند و همگان را به اجرای آن دعوت می‌کنند؟! همان نیست که مورد بی‌مهری دولتمردان و اندیشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی عریض و طویل با بودجه‌های میلیاردری قرار گرفته است؟! در روزهایی که دولتی‌ها و حامیان‌شان به کارناوال انتخاباتی و هورا کشیدن برای آمدن این و آن و رقابت بر سر سرلیستی و ... مشغولند، یک اندیشکده معتبر آمریکایی با بررسی اوضاع ایران، به این نتیجه رسیده که راه‌حل فقط و فقط، اقتصاد مقاومتی است اما وقتی پای این حرف‌ها در میان باشد، حتی حرف آمریکایی‌ها را هم گوش نمی‌دهند!

ممکن است عده‌ای این سخن را نادرست بدانند و معتقد باشند که از دایره انصاف در این موضوع خارج شده باشیم. خوب برای حل این تعارض بهترین کار چیزی نیست جز بررسی کارنامه دولت. چه خوب است دولتمردان با ارائه آمار و ارقام و اسناد متقن، به مردم نشان دهند که تاکنون چه قدم‌های عملی برای تحقق اقتصاد مقاومتی برداشته‌اند و چشم‌انداز قطع وابستگی به نفت مربوط به چه زمانی خواهد بود؟! البته در اینجا سخن از سند و مدرک و عدد و رقم است و طبیعتاً سخنرانی و فریاد کشیدن و فحش دادن، جزء این اسناد قلمداد نمی‌شود. و باز هم البته اخذ مالیات سنگین و مضاعف از کسبه جزء و کارگر و کارمند، آن هم در دوران رکود اقتصادی نه تنها افتخاری ندارد و جزء منابع درآمدی قلمداد نمی‌شود، که در زمره اسباب تشدید نارضایتی‌ها و دلخوری مردم است که خود بحثی جداگانه می‌طلبد، به خصوص اگر بدانیم فرار مالیاتی نورچشمی‌ها و از ما بهتران، چند برابر همه آن پولی است که با هزار منت و ذلت، پس از ماه‌ها مذاکره و معامله در موضوع هسته‌ای به دست آوردیم!